

# هم میهنان، مبارزان و رزمندگان راه آزادی و دموکراسی

نام سرگشاده

هنوز به درستی معلوم نیست که در پشت پرده های سیاست داخلی و خارجی، چه بازی های تازه ای برای تجدید سلطه بر مردم ایران در حال شکل گیری است. با این وجود، شواهد موجود بر آنند که تضادهای درونی و بیرونی رژیم بسیار حاد شده و رژیم را در برابر یک دوراهی تقدیر، فروپاشی یا تجدید ساختار و سازمان، قرار داده است. در همان حال، سیاست جهانی در مورد ایران و منطقه نیز رو به تغییر نهاده، و این هر دو فرصت تاریخی دیگری فراهم آورده تا مردم ایران، دگرباره در بازسازی سرنوشت فردای خود شرکت کنند. بدیهی است که این شرایط تاریخی، هم ما را در برابر یک دوراهی انتخاب قرار داده و مسئولیت وجدانی بزرگی ایجاد می کند. این بیانیه برای پاسخ درست به این مسئولیت، تنظیم شده و تقدیم می شود.

بر این اساس، از هم روشنفکران و مبارزان ایرانی دعوت می کنیم که با توجه به حساسیت شرایط تاریخی موجود:

1. در صورتی که با کلیات این نامه موافق هستید ضمن قید نام و عنوان خود در ذیل این نام سرگشاده آن را از راه های ممکن به اطلاع مبارزان هم میهنان درون و برون مرز برسانید.
2. در صورتی که با متن نامه موافق نیستید به نام "آزادی بیان" نامه را با نامهای موجود در زیر آن برای دیگران ارسال و آن را منتشر فرمائید.

عزیزان همدرد!

به باور ما، در حال حاضر کشور و مردم ایران در برابر یک سه راهی سرنوشت سیاسی (و ناگزیر سرنوشت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) قرار گرفته و در ادامه این راه ها با یکی از شقوق زیر رو در رو خواهد شد:

1. در شق اول، «رژیم اسلامی» هر چه بیشتر به دو نیمه به اصطلاح «محافظه کار» و «اصلاح گر»، تقطیک خواهد شد. در آن صورت، نیمه ای بر تخت حکومت اسلامی باقی خواهد ماند و نیمه دیگر تا موعد نوبت خود، در جایگاه اپوزیسیون خواهد نشست. نیمه ای ظالم و نیمه ای مظلوم و شهید قلمداد خواهند شد. سوابق پیشین نشان می دهند که این

دو با وجود تضاد منافع گروهی، معتقد به یک قانون اساسی و حکومت جمهوری اسلامی اند و از نظر منافع اساسی نظام اسلامی نیز متفق و متحد همدیگر به حساب می آیند. از همین رو، این دو نیمه،  
- هم به وقت تهدید کلیت رژیم با هم کنار خواهند آمد و،  
- هم از نظر دادن «آزادی ها و دموکراسی» در اساس هیچ فرقی با هم نخواهند داشت.

هم از این رو، این وضع جامع<sup>۱</sup> ما را در برابر «دو نظام جمهوری اسلامی» قرار خواهد داد، مردم ایران بین دو جمهوری اسلامی مثل توپ به بازی گرفته خواهند شد و امید رهایی از یوغ حکومت دینی و اسلامی در هر آیند<sup>۲</sup> نزدیک از بین خواهد رفت. این از دید رهایی از «حکومت دینی و اسلامی» بدترین آلترناتیو ممکن برای مردم نیازمند آزادی و دموکراسی است.

2. در شق<sup>۳</sup> دوم، یکی از این نیمه ها حذف، یا در آن دیگری ادغام خواهد شد. در این صورت، بی توجه به برد این یا آن نیمه<sup>۴</sup> اسلامی، اوضاع عمدتاً به روال سابق دوام خواهد آورد.

3. در شق<sup>۳</sup> سوم، مردم ایران با استفاده از تجربیات تاریخی بی که با اشک و خون فراوان به دست آمده است، این فرصت تاریخی را بی نتیجه از دست نخواهند داد و با تعمیق هرچه بیشتر مبارزات آزادی خواهان<sup>۵</sup> خود، نهایتاً از دام «انتخاب میان بد و بدتر» رسته و جز به «انتخابات آزادی» که بر حکومت مردم بر مردم، حقوق بشر، عدالت قضائی و آزادی های اندیشه، بیان و سازماندهی سیاسی بنا می شود، تن نخواهند داد. «آزادی و حقوق دموکراسی بدون هر گونه شرط و شروط و محدودیت دینی و اسلامی». در این صورت، هم رژیم اسلامی، اگر چنین رژیمی باقی بماند، و هم حامیان جهانی آن، خود را مجبور به دادن بخشی از این آزادی ها و حقوق خواهند دید.

این راه البته، تا قله<sup>۶</sup> سرفراز «براندازی رژیم اسلامی و برپائی نظام جمهوریت مردم» ادامه دارد و در صورت حفظ منطق و عقلانیت در تصمیم گیری ها و مبارزات سیاسی و اجتماعی، ادامه یافته و به سرمنزل مقصود خواهد رسید.

جوانان، مبارزان و آزادی خواهان

نگرشی ولو کوتاه به تاریخ 30 سال<sup>۷</sup> گذشته، نشان می دهد که هم رهبران و بازیگران رژیم جمهوری اسلامی و هم نظام حکومتی دینی و اسلامی، مسئول تعرضات به حقوق مردم ایرانند. این ها همه، نه توان پذیرش حقوق و آزادی های مورد انتظار مردم را دارند و نه قادر به آشتی دادن این خواست ها با نظام حکومتی دینی و اسلامی خود هستند. از این رو، این آزادی ها و حقوق مورد انتظار مردم، جز از راه «براندازی تمامیت رژیم اسلامی» قابل تحقق نیستند.

اما، چنین به نظر می‌رسد که رژیم اسلامی تا حد و حدودی توانسته تا با استفاده از سانسور و خفقان تمام عیار خود، بخشی از افکار عمومی گروه‌هایی از مردم به جان آمده را قانع سازد تا نه کلیت رژیم، بلکه این یا آن چهره اسلامی را مسئول و مقصر این همه تعرضات و ظلم‌ها بدانند، دواي دردهای ناشی از تعرضات و مظالم رژیم اسلامی را در خود رژیم بجويند و از دست آلوده به ظلم و تعدی «این نیم» جمهوری اسلامی» به دست آلوده «نیم دیگر» پناه ببرند. جوانانی که انتخاب «بد به جای بدتر» را فرصتی برای آغاز اصلاحات می‌دانند، ممکن است به همان راه نسل پیشین بیفتند و «ندانسته و نخواسته»، خمینی دیگری بسازند و رژیم اسلامی‌یی بسازند که به تجربه و تحقیق، ماهیتاً فرق چندانی با این یکی نخواهد داشت.

هم از این رو، به باور ما، در این شرایط تعیین‌کننده تاریخی، مهم‌ترین کار و وظیفه‌ای که از دست و توان ایرانیان و به خصوص روشنفکران ساخته است، تحلیل و توضیح درست شرایط برای مقابله با چنین باورهای وارونه است. بر این اساس، ما امضاءکنندگان زیر از هم میهنان مبارز و آزادی‌خواه دعوت می‌کنیم تا:

1. از سوئی، با امید و شور و شوق انقلابی و بی‌توجه به سازش‌ها و بازی‌های تقسیم قدرت، به مبارزات آزادی‌خواهان خود ادامه داده و با شرکت فعال در مبارزات و تظاهرات مردم برای کسب آزادی و علیه دیکتاتوری، تا می‌توانند کالبد در حال فروپاشی رژیم اسلامی (و تمامیت رژیم اسلامی) را زیر ضربه بگیرند. این فرصت برای کسب حقوق و آزادی‌ها بسیار پربها و به هر بهائی از دست ندادنی است.

2. از سوی دیگر، این فرصت مبارزاتی را برای توضیح عملکرد رژیم و رژیمیان در طول 30 سال گذشته، چگونگی تضادهای عام کلیت رژیم و رژیمیان با مردم و مسئولیت تمامیت رژیم و رژیمیان به کار ببرند. مواظب باشیم که خود یا دیگران به عنوان مهره بازی این؛ یا آن نیمه رژیم و رژیمیان مورد استفاده قرار نگیریم و با مراجعه به حافظ تاریخی موجود، نه فقط «نیم بد یا بدتر»، بلکه «کلیت رژیم و رژیمیان» را به عنوان مسئولان سرکوب‌ها، سلب آزادی‌ها و تقلبات انتخاباتی این 30 سال گذشته، مسئول شناخته و مورد خطاب قرار دهیم.

یقین داریم که از طریق مبارزه تاریخی «آگاهانه و هشیارانه» خواهیم توانست به همراه هم، خواست ضرورت «براندازی تمامیت رژیم اسلامی» و «برقراری یک نظام سیاسی لائیک قادر به تأمین آزادی و دموکراسی برای همه» را به میان توده‌ها برده، و با فائق آمدن بر اثرات ناشی از سانسور و سرکوب رژیم، به همراه هم، فردای متفاوتی انشاء کنیم.

امضاء کنندگان:

- 1- رضا آیرملو، نویسنده و پروفیسور دانشگاه، سوئد
- 2- ژیلا مساعد، شاعر و نویسنده، سوئد
- 3- اسماعیل اوجی، مهندس برق و الکترونیک، فعال فرهنگی، سیاسی و حقوق زنان، سوئد